

دکتر مظاهر مصفا:



حافظ باهوش‌ترین مقلد سعدی بوده است

از استاد پرسیدیم که پس از سالیان بسیار، امروز چه ضرورتی دارد که از سعدی صحبت کنیم و از او سخن بگوییم؟ دکتر مصفا گفت: البته روشن است که سعدی جزء افتخارات تاریخ ماست و وقتی که از حیات گذشتگان سخن می‌گوییم، جوانان تشویق می‌شوند و برای خود قله‌ آرزویی ترسیم می‌کنند و تلاش می‌کنند که به آن قله برسند. هر ملتی به تاریخش زنده است. ملت بی‌تاریخ، به خانواده بی‌پدر و مادر می‌ماند! تاریخ در حقیقت سلسله اعتقادات و تکیه افتخارات ملی هر قوم و ملتی است. فردوسی برای ما ایرانی‌ها یک قله آرزوست. در حقیقت فردوسی، تاریخ گذشته ما را زنده کرده است. اگر امثال فردوسی نبودند، تاریخ ما به دست فراموشی سپرده می‌شد و از یاد می‌رفت. به هر حال، در دنیا آنچه موجب افتخار و مباهات است، شعر و ادب و اختراعات و علوم و... است. ما در گذشته، افرادی مثل سعدی و حافظ و فردوسی و سنایی و... داشته‌ایم، اینها تکیه‌گاه تاریخ و فرهنگ ما هستند. تاریخ ما به اینها زنده است و پایدار مانده و یک ملت نمی‌تواند تاریخ خود را فراموش کند. ملتی که تاریخ خود را فراموش کند، ملتی بی‌ریشه است. تکیه بر ریشه‌های گذشته، اسباب ترقی و تعالی آینده است و این اتصال ملت‌ها و نسل‌ها و نژادها در طول تاریخ از همینجاست. دکتر مصفا همچنین گفت: ما اگر در تاریخ ادبیات خودمان بخواهیم چند شاعر بزرگ را اسم ببریم، یکی از آنها قطعاً سعدی است. اینها فردوسی و سنایی و حافظ و سعدی هستند. البته من حافظ را در مرتبه سعدی نمی‌بینم. به نظر من حافظ، باهوش‌ترین و زیرک‌ترین مقلد سعدی است. تمام غزلیات حافظ،

اشاره

چندی پیش فرصتی دست داد تا دیداری با استاد گرامی جناب آقای دکتر مظاهر مصفا داشته باشیم. استاد، از سر لطف، پذیرای ما در منزل خود بودند و به پرسش‌های ما پاسخ دادند. آنچه می‌خوانید، گزیده مطالبی است که استاد دکتر مظاهر مصفا درباره سعدی مطرح کرده است.



دکتر مظاهر مصفاً

رنگ غزلیات سعدی را دارد و قدم در جای پای سعدی گذاشته است ولی با کمال ذوق و فطانتی که در وجود خود حافظ بوده. این چند شاعر، ستاره‌های درخشان آسمان ادب فارسی بوده‌اند و تا ابد هم خواهند بود چون کسی تا الآن جای آنها را نگرفته است، چون روزگار ما دیگر سعدی‌پرور نیست. البته دربارهٔ آینده نمی‌توان سخن گفت، اما قدر مسلم این است که روزگار ما دیگر سعدی‌پرور نیست، یعنی زمینه‌ای برای پرورش آدم‌هایی مثل سعدی و حافظ و فردوسی مطلقاً وجود ندارد و من به حسب تجربه شخصی خودم تقریباً محال می‌دانم که ما فردوسی یا سعدی دیگری در تاریخ داشته باشیم.

دکتر مصفاً دربارهٔ مقایسهٔ سعدی با حافظ نیز گفت: بزرگی سعدی ابعاد متفاوتی دارد. از نظر ادبی، به سبب فصاحت و بلاغت سخن سعدی است. دیگر، اکتشاف معانی ذوقی است. ممکن است معانی مختلفی به ذهن کسی برسد ولی نتواند آنها را بیان کند یا بنویسد. ممکن است برخی از معانی‌ای که به ذهن سعدی رسیده، به ذهن کسی دیگر هم رسیده باشد، اما آن استعداد در وجود او نیست که بتواند آن را چنانکه باید، بیان کند. مگر یک ملت چند سعدی می‌تواند داشته باشد؟ حافظ را شاعری بزرگ می‌دانم اما معتقدم که بزرگ‌ترین هنر حافظ این بود که بهترین مقلد سعدی است. قدم به قدم، تعبیر، ترکیب و اوزان سعدی را در شعر حافظ می‌توانیم ببینیم که البته اقتضای حافظ هم در حد اعلاست. گاهی فکر می‌کنم که اگر سعدی نمی‌بود، شاید حافظ پدید نمی‌آمد. زمینه‌های ذهنی و آن

بزرگ‌ترین هنر حافظ این بود که بهترین مقلد سعدی است. قدم به قدم، تعبیر، ترکیب و اوزان سعدی را در شعر حافظ می‌توانیم ببینیم که البته اقتضای حافظ هم در حد اعلاست. گاهی فکر می‌کنم که اگر سعدی نمی‌بود، شاید حافظ پدید نمی‌آمد. زمینه‌های ذهنی و آن بلاغتی که از طریق سعدی به حافظ تلقین شده، حافظ پرور بوده

بزرگ‌ترین هنر
حافظ این بود
که بهترین مقلد
سعدی است.
قدم به قدم،
تعبیر، ترکیب و
اوزان سعدی را
در شعر حافظ
می‌توانیم ببینیم

بلاغتی که از طریق سعدی به حافظ تلقین شده، حافظ‌پرور بوده. مقتضیات و شرایط زمانهٔ سعدی و حافظ را دقیقاً نمی‌دانیم. دربارهٔ شرایط خانوادگی این دو اطلاع دقیق و کافی نداریم. نمی‌دانیم کدام یک از اینها مرفه‌تر بوده‌اند، کدام یک بیشتر با اهل فضل معاشرت داشته‌اند. اما مسلم است و بنابر اخباری که به ما رسیده است، سعدی دنیادیده‌تر است. حافظ از شیراز بیرون نرفته. این وسعت زمینه که در شعر سعدی هست، در شعر حافظ نیست و این شاید به سبب دنیادیده‌تر بودن سعدی است. سعدی سفرهای متعدد کرده، با اقوام مختلف معاشرت کرده و همهٔ اینها در زندگی او تأثیر داشته است. حافظ آدم خانه‌نشینی بوده و در شیراز فراغت و آرامش بیشتری داشته. اما سعدی همه جای دنیای آن روز را که می‌شد رفت و دید، رفته و دیده بود و غیر از مسئلهٔ استعداد و فطرت و سرشت خلقی، این سفرها مؤثر بوده است.

به هر حال من سعدی را از تمام جهات بر حافظ ترجیح می‌دهم، اگر چه حافظ غزل‌سرای بزرگ زبان فارسی است و این انکارناپذیر است، اما سعدی را خیلی روان‌تر، اجتماعی‌تر و نزدیک‌تر به آن احساس عاشقانه‌ای که هر کسی ممکن است در زندگی با آن سروکار داشته باشد، می‌یابیم. صنعت و تکلف شعر حافظ بیشتر از شعر سعدیست. شاید بلاغتی که در طبیعت و سرشت سعدی بوده، برای حافظ اکتسابی بوده.